





کتابخانه



سلام



# لوازمِ «ظهورِ» آخرین حجّت:

جلسه ششم — ۱۰ خرداد ماه ۱۴۰۰

غالبِ « مردمِ جهان »،

از « وضعِ موجود »،

« ناراضی » و خواهانِ تغییرند.

# پرسش ۱:



«تغییر» یعنی چه؟

نظر شما؟



« **تغییر** » یعنی:

ایجادِ شرائطی « **مغایر** » با وضعِ موجود،

و « **دگرگونی بنیادی** »،

و عوض کردنِ « **کاربری** » چیزی.

# پرسش ۲:



« مهمترین » عوامل پیدایش

این همه « نارضایتی » کدامند؟

نظر شما؟



۱- « **إنكارِ خدا** » از قرون وُسْطی به بعد. (که دوران تاریکی می نامند).

۲- مبنا قرار دادن « **اومانیسم** » (اصالتِ بشر) بجای اصالتِ خدا.

۳- « **إنكارِ عملی: روح و عقل و معنویت و اخلاق** ».

۴- « **حاکمیت** » دادن به « **سرمایه و ربا** » (علیه کار و کارگر).

۵- جایگزین کردن « **مشاورین** » به جای عالم « **دین** ».

۶- رواج فرهنگِ « **لذّت جوئی** » و « **فحشاء** » (علیه نهادِ خانواده).

۷- ترویج « **مدرک گرائی** » (و ظاهرینی) بجایِ « **درک** » (حقایق).

۸- واگذاری « **حق** » به « **اکثریت** » (علیه آزادی و اختیار فردی).

۹- جایگزینی « **تربیت و عادت** » بجایِ « **رشد و ادب** ».

۱۰- جایگزینی « **مقبولیت کاذب** » بجایِ « **مشروعیت** ».

۱۱- « **انکار آخرت و آینده** » و ترویجِ « **روزمرگی** ».

۱۲- ترویجِ « **اختلاف طبقاتی** » و « **فقر** » و « **کینه** ».

« تغییر وضع موجود »

به عهده کیست؟

۱- فقط « خداوند » با « اقتدارش ».

۲- فقط « امام زمان » با « معجزاتش ».

۳- وضع موجود « درست شدنی نیست ».

۴- با « قدرتِ خدا » و « قیامِ امام ».

# « پاسخِ قرآن چیست؟ »

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

(رعد/۱۱)

خداوند (وضع موجود) هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد

وَمَا يَكُنْ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَىٰ شَيْءٍ إِلَّا إِذْ يَخُصُّهُ

<sup>18</sup> تا این که «خودشان» خودشان را از هر نظر تغییر دهند

یعنی:

اول: «إِصْلَاحِ نَظَاهِ مردم».

دوم: «إِصْلَاحِ رِفْثَارِ مردم».

سوم: «نصرتِ خدَا بِا قیامِ امام».

« تکالیفِ » منتظرینِ ظهورِ چیست؟

« تَکْلِيفِ » اول:

« منتظرینِ ظهور و عدالت خواهان »

باید قبل از همه، بکوشند

« ما أَنْزَلَ اللَّهُ » و « حُدُودُ اللَّهِ » را بشناسند

و همواره به آنها « ملتزم » و « قانونمند » شوند،

و دنبالِ هیچگونه « امتیازخواهی » برای خود نباشند.

« تګلیف » دوم:

منتظرین واقعی « **باید** »:

« **صالحین** » را در هر زمینه‌ای « **بشناسند** »،

و با « **انتخاب** » آنها برای مسئولیتهای مختلف،

زمینه « **وارث** » شدن آنها را فراهم کنند.

« تڪليفِ » سوم:

چون « **نفسانیت** » به نامِ « **عقل** » در جامعه، « **حاکم** » است،

پس منتظرینِ **ظهور** باید « **عقل** » را « **حجّتِ الهی** » بدانند

و آن را بر « **نفسانیت** » خودشان از هر نظر « **حاکم** » کنند،

تا با « **احکامِ بدیهی** » آن

در « **سراب** فریبندهٔ محسوسات » دنیا « **بینا** و **محکم** » شوند،

و در حوادث تلخ و سخت زندگی، « **إستقامت** » پیدا کنند.

زیرا مهمترین « **مشخصهٔ جامعۀ مهدوی** »،

« **عقلانی** » بودن عناصر آن است.

پس « مستضعفانِ عاقل » در « حاشیه »،

باید به « رهبری جامعۀ » برسند و:

« عقلانیتِ بالقوهٔ » مردم هم در آن « فعلیت » پیدا کند.

چهار « أصل » مهم:

اصل اول:

« هر انسانی »،

از نعمتِ « عقل » برخوردار است.

# پریشی ۳:



# نشانه‌های وجودِ «عقل»؟

نظر شما؟



انسان به خاطر برخورداری از نعمتِ **عقل**:

- ۱- در « هر شرائطی », « **مختار** و **انتخابگر** » است.
- ۲- افراد یکدیگر را « **مجازات** » یا « **تشویق** » می کنند.
- ۳- از رفتار یکدیگر « **خوشحال** » یا « **ناراحت** » می شوند.
- ۴- تمام اقوام و ملت‌ها و کشورها، حتماً « **دادگاه** » دارند.

۵- هر انسانی، **مخاطبِ** « أنبياء و أولياء الهی » است.

۶- هر انسانی، در معرضِ « بهشت و یا جهنم » است.

۷- همه دنبالِ « تعلیم و تعلم و رشد و هدایت » اند.

۸- همه مردم، به « اطاعت و عبادت » دعوت شده‌اند.

۹- همه، دنبالِ « زیبایی، خیر، خوبی و کمال » اند.

۱۰- همه دنبالِ « تفاهم، توافق، هماهنگی و اتحاد » اند.

اصل دوم:

« مبانی و اصول عقلی »

تنها وجه « مشترک » مردمِ جهان است.

# پرسش ۴:



اگر « اصول » عقلی « مشترک » نبود؟

نظر شما؟



۱- افرادِ نژادهای مختلف با هم **ازدواج** نمی کردند.

۲- اقوامِ مختلفِ جهان، به « **تفاهم** » نمی رسیدند.

۳- سازمان ملل و مراکز بین المللی پدید نمی آمد.

۴- « **پلیسِ بین الملل و دادگاهِ لاهه** » نبود.

۵- « **إنذار** » أنبياء الهی برای « **جهانی** » نبود.

۶- تلقی مردمِ جهان از «**هنر**» یکسان نبود.

۷- برای هر چیزی «**استاندارد**» مطرح نبود.

۸- «**المپیاد**» و «**المپیک**» پدید نمی‌آمد.

۹- کتیبه‌ها و زبانهای باستانی «**ترجمه**» نمی‌شد.

۱۰- «تفاهم، توافق، هماهنگی و وحدت» ممکن نبود.



اللَّهُمَّ؛ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ  
تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ  
وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ  
وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةً الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

خدایا به سوی تو مشتاقیم با دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را با آن عزیز گردانی،  
و نفاق و اهلش را با آن خوار سازی، و ما را در آن از « دعوت‌کنندگان » به سوی طاعت،  
و « رهبران به راهت » قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را به برکت آن، روزیمان فرمایی.

خدایا :

ما را یاری کن تا به اوج « **عقلانیّت** » برسیم،

و از « **منتظرینِ بصیر** و **مقاوم** و **مشتاقِ ظهور** »

و در مقدماتِ ظهور، سهیم و در رکابش باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

